

## قانون توکلی گونه

منصورامان

تفسیر خبری جنگ صدا

”من قانون می نویسم، من قرارداد لغو می کنم“، این جملات به تازگی در وصیتنامه خمینی کشف شده و ارتباطی نیز به کابینه آقای بختیار که نخستین ولی فقیه جمهوری اسلامی زمانی با گفتن اینکه ”من توی دهن دولت می زنم، من دولت تعیین می کنم“ به رویاری با آن رفته بود، ندارد. این هیچ کس کمتر از آقای احمد توکلی، نامزد ناکام مانده ریاست مجلس هفتم ملاها و رییس کنونی مرکز پژوهشهای همین نهاد نیست که با تقلید از امام فوت شده، چنین مصاف می طلبد. نشان دادن کابینه ی حجت الاسلام خاتمی بر مکانی که هیات وزیران آخرین نخست وزیر شاه بر آن قرار می گرفت بوده، به خوبی موقعیت فعلی باند ”اصلاحات“ در رده بندی قدرت را به نمایش گذاشته است. اما مهمتر از آن، مضمون و دامنه به مراتب اسفبارتری است که جدال قدرت در جمهوری اسلامی پیدا کرده است و بازماندگان آقای خمینی را به یکسان تحت تاثیر قرار می دهد.

تصویب طرح ”الزام دولت به اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی برای انعقاد قرارداد با شرکت های خارجی“ به روشنی، آشفتگی روزافزون در دستگاه حکومتی و ناتوانی آن در حل تناقضات درونی اش را آشکار می سازد. پانک باند ولایت به مفهوم آن است که دستگاه اجرایی یعنی دولت، توان تصمیم گیری در مورد عقد قراردادهای بازرگانی و اقتصادی با طرف های خارجی را از دست می دهد و اختیار این امر بین نهادهای متعدد حکومت تقسیم می شود؛ بدون آنکه در انتها، مرجع صلاحیت دار برای تعیین شرایط و امضای قرارداد برای طرف دیگر مشخص شده باشد. تحت شرایط جدید، توافق دولت با این یا آن قرارداد از همان ارزشی برخوردار است که تعهد و موافقت ”صغار، مهجورین و افراد تحت کفالت“.

با این وجود، تصویری خطاست اگر گمان برده شود توسط قانون جدید، وزنه ی مجلس هفتم در مقایسه با دولت، نزد طرف های خارجی، سنگینی بیشتری یافته و از این پس نهاد یادشده، طرف اعتماد شرکتها و موسسات خصوصی و دولتی خارجی به حساب خواهد آمد. ابتکار باند ولایت مبنی بر گستراندن دایره شمول قانون جدید به قراردادهای گذشته و به عبارت بهتر، عطف به ماسبق کردن قانون که ظاهرا برای محکم کاری و چارمبخه کردن ”طرح الزام“ اندیشیده شده، شاخی ست که نمایندگان فرمایشی با پشتکاری توصیف ناپذیر، زیرپای خود اره کرده اند.

نقض یک قاعده ابتدایی حقوقی که در زمره مولفه های ثابت حقوق مدنی به شمار می رود، به یک کرشمه نه تنها اعتبار و صلاحیت مرجع قانونگذاری را زیر سوال برده است بلکه، مشروعیت و شمول کلیه قوانین و تصمیم گیریهای از این پس را نیز با تردید روبرو می سازد. براین اساس معلوم نیست کدام منطق و حجت حقوقی می تواند معتبر ماندن تصمیم آقای توکلی و شرکا در تصویب این یا آن قرارداد خارجی را نزد طرف دیگر قرارداد تضمین کند. این پرسش مجهول، برخلاف فرضیات شیرین و پرمفعتی که باند ولایت در مجلس با تصویب طرح مزبور، مادی شدن آنها را در برابر خود به تصویر کشیده است، آنان را حتی از مداخل ناشی از پورسانت و باجگیریهای معمول نیز محروم خواهد کرد.

شاید با نگاه به همین چشم انداز نه چندان زرین بود که آقای توکلی و پیشکار او آقای سبحانی، در جلسه ی روز پنج شنبه، دوم مهر ماه، پیش از به رای گذاشته شدن طرح مزبور، با دستیابی خواهان اصلاح آن به صورتی که شامل تمام قراردادهای نشود، گردیدند. آقای سبحانی، اعضای باند خود را سوگند می داد که ”درانشای طرح“ اشتباهی صورت گرفته و آقای توکلی التماس می کرد که دعوا فقط بر سر ”ترک سل“ (tork cell) و ”تاو“ (taw) است. اما این استدلالها موجب افتادن دوریالی نمایندگان به وجد آمده که ریش و سیل خود را به عنوان عاقد قراردادهای آتی، نیمه چرب یافته بودند، نشد.

تور پهن شده ی الزام کذا، یک انگاره ثابت پیرامون آنچه که به نامی سرمایه گذاری در جمهوری اسلامی برمی گردد را یکبار دیگر و این بار در هیاتی صریح تر از گذشته، تایید کرده است. تعدد مراکز تصمیم گیری در رژیم ولایت فقیه، ویژگی تعیین کننده ای است که آنرا از دستگاه مدرن و متعارف دولت بورژوازی باز می شناساند و همواره از سوی شرکای خارجی حکومت به مثابه یک مانع جدی برای گسترش آنچه که ”همکاریهای اقتصادی“ نامیده می شود، معرفی شده و مورد شکایت قرار گرفته است. اکنون و با مصوبه مجلس ملاها، لیست اعضای این گروه ”کر ناهما هنگ و بدآواز، به شمار مدعیان جدید، طویل تر شده و آناش در فرآیند تصمیم گیری را به سطح یک درهم ریختگی بی مانند، فراز داده است. چیزی که شرکای حکومت را حتی در روابط مقطعی و کوتاه مدت اقتصادی با آن نیز به احتیاطی بیش از این، وادار ساخته و ناگزیر ارزیابیهای سیاسی آنان را در دایره ی نفوذ خود می گیرد.

به نظر می رسد آقای توکلی و مرشد او آیت الله خمینی در یک نقطه تاریخی به هم رسیده باشند، قانون توکلی گونه تصویب شده است و تودهنی خمینی گونه در راه.

## الترناتیو سازی کربوبی

زینت میرهاشمی

»ماشین ضد گلوله را ما سوار می شویم و ناسزا را روحانیون کوچه و بازار می خورند.« حجت الاسلام کربوبی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، با ادای جمله بالا نفرت مردم به روحانیت که سمبل نظام ولایت فقیه است را آشکار می کند.

کربوبی در برابر چنین نفرتی، به پایوران رژیم پیشنهاد می کند که کتابهایی که متعلق به دوران قبل از انقلاب و خانواده پهلوی نوشته است را چاپ کنند و در اختیار جوانان قرار دهند. وی چنین تصور می کند که هر چقدر جنایات رژیم گذشته را برای مردم افشا کنند، جنایات خودشان کم رنگ شده و مشروعیت پیدا می کنند. در حقیقت مردم جان به لب رسیده را می خواهند از لولوی سلطنت پهلوی بترسانند. وی اقرار می کند که هر چقدر آخوندها در این مورد حرف بزنند چون وابسته به نظام محسوب می شوند نفوذی در میان مردم ندارد.

از مقایسه دستاوردهای »پر برکت« نظام کنونی (گسترش فحشا، اعتیاد و فقر) با نظام سابق نه می توان برای نظام شاهنشاهی مشروعیت به وجود آورد و نه می توان پس رفتگی جامعه به وسیله نظام کنونی را کتمان کرد.

کربوبی که تحقیر مردم نسبت به خود و همه سمبلهای نظام ولایتی را حس می کند دقیقاً به سستی پایه های نظام واقف است. وی برای جلوگیری از رشد افکار مترقیانه و رویکرد مردم، به ویژه جوانان به راهکاری مترقی، فساد رژیم پهلوی را به رخ می کشد تا نظام خود را رها کننده جلوه دهد. وی زیرکانه می خواهد این مسأله را جا بیندازد که اگر در مقابل جمهوری اسلامی الترناتیوی شکل بگیرد به ناچار دیکتاتوری پهلوی است. پس او نتیجه می گیرد که باید آن الترناتیو را افشا کرد. این که تاریخ خونبار مبارزه مردم ایران و جنایات رژیم پهلوی بخشی از تاریخ مبارزه مردم ایران است و باید توسط محققان غیر وابسته به رژیم به تصویر کشیده شود مسأله ای است که در چارچوب اندیشه های پایوران این رژیم نیست. الترناتیو مردم ایران در آغاز قرن بیست و یکم برای راهیابی به توسعه و پیشرفت، رژیم دیکتاتوری پهلوی و یا هر رژیم موروثی دیگر نخواهد بود. بدون شک چنین الترناتیو سازی از طرف کربوبی و همقطاران، ایده های رشد و ترقی، سکولاریسم، دموکراسی و آزادی، حقوق بشر و پلورالیسم را نمی تواند کتمان کند. این ایده ها و امکان تحقق آن در میان مردم ایران جای خود را پیدا کرده است.

۲۱ شهریور



www.naqshineh.com

کودکان قبر خواب